امکان حمل فقره‌ی «فسبحانه وتعالی عن قول من عبد سواه» بر کلام ابوبکر در حدیث جاثلیق

سؤال این بود: آیا این خطبهٔ الوسیلهٔ که حضرت علیه السلام علیه السلام آن را، هفت روز یا نه روز – البته هفت روز انسب است - بعد از شهادت پیامبر صلّی‌اللّه‌علیه‌وآله، در مدینه خواندند، بعد از قضیه‌ی جاثلیق بوده است یا قبل از آن؟ این سؤال در ذهن من آمد. جاثلیق روم که آمد به مسجد رفت؛ در اول روایت که سلمان نقل می‌کند، بود. ظاهراً اولین سؤالی که از ابوبکر به‌عنوان خلیفه رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله پرسید، این بود که گفت: «این اللّه؟»؛ خدا کجا است؟ او هم گفت: «فوق سبع سماوات»؛ بالای آسمان‌های هفتگانه است. آن بالا است. او هم گفت: «فلیس فی الارض»؛ دیگر خدا در زمین نیست. مدام هم ادامه پیدا کرد. قضیه‌ی جاثلیق را چند بار عرض کرده‌ام.

اگر قضیه‌ی جاثلیق قبل از این خطبه باشد، دور نیست که تعریضی در این باشد. یعنی او به‌عنوان خلیفه‌ی پیامبر به مسجد می‌آید و از او سؤالاتی می‌کند، او هم این‌ها را می‌گوید! یعنی ظاهرش خلیفه‌ی پیامبر است، اما یک خدای موهومی دارد. «فسبحانه و تعالی عمن عبد سواه»؛ یعنی اسمش خلیفه است اما «یعبد سواه». اگر دنبال معرفت بود که نمی‌رفت آنجا بنشیند. اگر معرفت داشت که دیگر محال بود آنجا بنشیند. پس معرفتی نداشت. آن چیزی که اله او بود، ریاست بود. دنیا بود. این همین‌طور به ذهنم آمد. ببینیم اگر این خطبه، بعد از آن قضیه بوده است، بعید نیست که حضرت علیه السلام اول توصیفی می‌کنند. شاهدش هم این بود: «تمکن منها لاعلی المزاجة». ابوبکر دارد می‌گوید: «فوق سبع سماوات»، جاثلیق هم نتیجه می‌گیرد پس خدا در زمین نیست. اما حضرت علیه السلام می‌گویند: «تمکن منها»؛ در دل هر شیای بروید، خدا را همانجا می‌یابید. «تمکن منها»، اما «لا علی المزاجة». اگر این جملات، ناظر به جواب‌هایی باشد که او داده بود، خیلی خوب می‌شود.

بازبینی #2
ایجاد شده 28 ژانویه 2024 14:01:44 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 فوریه 2024 09:48:08 توسط ... .